

نویسنده : اندریو کوریبکو (Andrew Korybko) .
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2019-09-09 » .
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

حمله اخیر طالبان در کابل بطرز ناخواسته مذاکرات صلح افغانستان را هیجان زده و یا تحریک کرد

the Taliban recent Kabul attack tanked the Afghan peace talks



نه طالب و نه امریکا میخواهند که پیشرفت بی پیشینه ای را که تا کنون در مورد صلح افغانستان انجام شده است از بین ببرند و یا که روند صلح را متوقف سازند اما دریغاً که فشار به هر دو طرف از درون صفوف شان و از خارج موجب

تعلیق روند صلح افغانستان شد .

ترامپ طی این هفته اخیر روزهای تعطیلات با اعلام درتویتر اش از اینکه از یک دیدار پنهانی بین او و رهبران طالبان در کمپ دوید که قرار بود صورت گیرد آن دیدار را بطور ناگهانی در پاسخ به حمله اخیر این گروه (طالبان) به کابل که منجر به کشته شدن یک سرباز امریکایی شد جهان را تکان داد.

وزیر امور خارجه ایالات متحده « **پمپئو** » که گفته میشود مخالف مصوبه یا پیش نویس توافقنامه صلح بین امریکا و طالبان که از دور نهم مذاکرات بین دو طرف بوجود آمده ؛ است میگوید: که ایالات متحده بدون (تعهد مهم) از سوی طالبان وارد توافق نخواهد شد . از نحوه گفته ای آقای « **پمپئو** » چنین استنباط میشود که نوع یک آتش بس ممکن است که یک شرط ضروری برای شروع مجدد مذاکرات در نظر باشد و به این ترتیب بعید به نظر میرسد که آنها به نسبت موضوع محکم این گروه در برابر این امر مجدداً تن به مذاکره بدهند. طالبان با صدور بیانیه رسمی با محکوم کردن تصمیم امریکا و هشدار مبنی بر «افزایش از دست دادن سروجان یا جان و ثروت خود» پاسخ دادند و به این ترتیب امریکا را تهدید کردند و آنها حتی بعید میدانند که **دونالد ترامپ** با توجه به عدم علم روشنایی و یا بصیرت خود تغییر نظر دهد .

صحبت از آن و یا سخن زدن بر روی آن تا حدی بخاطر موقعیت بسیار حساس آن مهم است که وی یعنی **دونالد ترامپ** قبلاً در این مورد احساس کرده بود از اینکه او مجبور به متوقف کردن مذاکرات صلح ، درست قبل از نشست مخفی برنامہ ریزی شده ای خود با طالبان بود؛ و نباید خالی ذهن بود از اینکه جناح های نظامی و دیپلماتیک « دولت عمیق » اخیراً در مخالفت با پیش نویس طرح صلح ؛ متحده شده و فشار زیادی را بر **ترامپ** بخاطر عقب نشینی از این توافق وارد کرده بودند . آخرین نکته یا به اصطلاح آخرین بهانه برای «ترامپ» حمله بر کابل بود که باعث کشته شدن یک سرباز امریکایی شد . زیرا او میدانست که نمیتواند با رهبران همان گروه که مسولیت این انفجار را فقط چند روز قبل از رخداد یازدهم ماه سپتمبر بعهدہ میگیرند ملاقات کند ؛ چونکه این به مفهوم آن است که او فرصت را به مخالفان خود میدهد با توقع اینکه او بخاطر بدست آوردن پیروزی در انتخابات سال آینده ریاست جمهوری خود را بالای

تروریست های تند رو افراطی می فروشند و مرتکب خیانت بزرگ (بخصوص در مقابل قاطبه مردم امریکا) میشوند لذا در نتیجه مذاکرات صلح که اکنون منجمد شده است یا که روند مذاکرات صلح متوقف شده است طبعاً به نفع رقبای (دولت عمیق «ترامپ» ؛ دولت کابل و هند) است که آنها همه مخالف هر گونه توافق در این زمینه هستند.

این درست و یا بجا است که طالبان را بخاطر این آخرین تحولات مفسر بدانیم در حالی که برخی در مورد موفقیت های مستمسک (دست آویز) خود چنان اعتماد به نفس دارند که فکر میکنند میتوانند بدون هیچ نتیجه ای به تهاجم ملی خود ادامه دهد ؛ در حالیکه دیگران معتقد اند که این گروه نه میتوانند تماماً مبارزین و یا جنگجویان شان را در رده های خود کنترل کنند و یا اینکه رهبری طالبان ممکن است نمیخواست امریکایی ها را در طول نشست پنهانی با **ترامپ** هدف قرار دهد اما ممکن است برخی عناصر تند رو (سرکش) چنین عملی را انجام دادند.

با رفع پرده و یا با پرده برداری از آنچه احتمالاً که واقعاً رخ داد میتوان یادآوری کرد که طالبان مسولیت حمله بر کابل را پذیرفتند و سخن گوی آنها گفت که این حمله بطور خاص «مهاجمان و یا اشغالگران خارجی» را هدف قرار داده بود. ممکن است برخی این موضوع را بی پروایی آنها به روند مذاکرات تلقی کنند با توجه به اینکه توافق صلح طولانی مدت که اعلام و یا که نشر آن قریب الوقوع بود و از سوی هم باید بخاطر داشت که ایالات متحده در این مدت قتل و قتال افغان ها را نیز متوقف نکرده است ؛ لذا طالبان نیز نمیخواستند که فعالیت های جنگجویان خود را در ضدیت علیه نیروهای اشغالگر محدود کنند .

تصور اینکه از سرگیری این روند مذاکرات صلح که اکنون بحالت تعلیق در آمده است ؛ دشوار است که هر لحظه پس از واکنش شدید به وقایع اخیر (که ترامپ تحت فشار دولت پنهان قرار گرفته و با علم و یا آگاهی روشنایی بسیار ناراحت کننده ای که وی پس از حمله کابل در معرض آن قرار گرفته است) مجدداً آغاز شود . تهدید نه چندان ظریف طالبان برای ادامه کشتار بیشتر امریکایی ها ؛ اما یک سناریوی احتمالی دیگری وجود دارد که ممکن است این اتفاق بیفتد و آن نیاز به حمایت پاکستان بعنوان میانجی غیر قابل تعویض بین هر دو طرف دارد . اگر با طالبان هماهنگ شود ؛ آنگاه اسلام آباد میتواند به واشنگتن بفهماند که این گروه (طالبان) بطور خاص قصد کشته شدن امریکایی ها

را در هنگام حمله به کابل نداشتند اما این قتل و یا کشته شدن صرفاً یک «آسیب جانبی» بود که ناخواسته مانع مرحله نهایی روند صلح نشده است یعنی که مصلحت نبود که روند صلح متوقف گردد چیزی که روشن و آشکار است این است که این گروه با دلایل قابل درک بادر نظر داشت موقوف «پرستیسز» شورشیان تندرو خود در دردن صفوف خود صریحاً دست به افشاگری زند اما این تنها فرصت واقعی برای مجبور کردن **دونالد ترامپ** است برای تجدید نظر در تصمیمگیری خود بر تعلیق مذاکرات .

به همین ترتیب اگر اسلام آباد با جناح صلح طلبانه از « دولت عمیق یا پنهان » هماهنگ شود میتواند به طالبان بفهماند که امریکا باید حملات خود را علیه افغان ها ادامه دهد (هر چند که از نظر اخلاقی قابل نکوهش است). زیرا که هر گونه سرسختی و یا ناملا یمت ها در همچو جنگ ها انجام میشود . با ایجاد ادعای علنی مبنی بر تهدید آتش بس یک جانبه و یا دو جانبه با « تروریست ها » و بدون دریافت و یا نتیجه هیچ چیزی ملموس ، در عوض فرصت های روایتی را برای مخالفان خونگرم ایجاد میکنند تا فشارهای غیر قابل تحمل بر ریس جمهور وارد کنند - به عباره دیگر ، پاکستان میتواند به اطمینان هر دو طرف کمک کند که هیچکدام از آنها نمی خواستند مذاکرات صلح را در آخرین لحظه مهار کنند. اما فشار داخلی عناصر «تندرو» در هر دو رده آنها باعث شده است که آنها نتوانند عملیات نظامی خود را کاهش دهند . در طی مذاکرات و در نتیجه پیامد ناخواسته مرگ یک سرباز امریکایی باعث شد که **ترامپ** مجبور شود همانطوریکه با قطع مذاکرات صلح مبارت ورزید واکنش نشان دهد .

نمیتوان با و رداشت که این تلاش صلح خواهی پس از همه چیز شکست خورده موفقیت آمیز خواهد بود . اما اگر این کار انجام داده شود همه چیز به روشنی که قبلاً پیش از این پیشرفت غیر منتظره پیشرفته بود یا که وجود داشت همه چیز را به موضع قبلی آن باز خواهد گردانید و به این ترتیب روند با ز تعریف تعادل قدرت اور آسیا ادامه می یابد در صورتیکه مذاکرات بحالت تعلیق درآید . پس از آن وضع موجود برای اولین بار به ناامیدی های ذینفعان مسول جدا از دولت کابل و هند که منافع عمیقی در حفظ و یا دوام حضور نیروهای ایالات متحده امریکا در افغانستان دارند همچنان موثر خواهد بود و حتی ممکن است حملات خود را علیه طالبان بعنوان بخش از اقدامات (صرفه جویی) در چهره در پی این

شکست مفتضحا نه تقویت کند. با این حساب میتوان انتظار داشت که این دوبا زیکن فوق الذکر برای ترغیب « **دونا لد** **ترامپ** » مبنی بر اینکه در مورد بی فایده بودن مذاکرات با طالبان درست است که لابی کنند. در حالیکه هر طرف بخش مهم بین المللی را تشویق میکنند که اگر « **ترامپ** » مذاکرات صلح را از سرگیرد.

با تقدیم سلام ها « 2019-09-11 »